



AMNESTY
INTERNATIONAL

ایران اعدام به وسیله سنگسار

«ما باید برای پایان دادن به سنگسار در همه جای جهان فعالیت کنیم: این یک عمل وحشیانه و غیرانسانی است... که از طریق آن مقامات می کوشند با ایجاد سایه ترس تمام جامعه را کنترل کنند و از این که مردم از زندگی خصوصیشان لذت ببرند جلوگیری می کند.»

شادی صدر، وکیل ایرانی، مبارز ضد سنگسار و فعال حقوق زنان

اعدام به وسیله سنگسار حکم الزامی برای «زنای محصنه» در ایران به شمار می رود. گرچه در سال 1381 توقف این روش اعدام اعلام شد، سنگسارها ادامه دارد. عفو بین الملل به همراه شمار زیادی از ایرانیان در زمینه پایان دادن به توسل ایران به این شیوه نفرت انگیز اعدام فعالیت می کند.

اعدام شده اند. به علاوه، حداقل دو مرد و یک زن محکوم به سنگسار به دار آویخته شده اند. در دی ماه 1387، سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد که بخشنامه مربوط به توقف سنگسار از اعتبار قانون برخوردار نیست و قاضیان می توانند آن را نادیده بگیرند.

در تیر 1388، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ایران توصیه کرد بند مربوط به مجوز سنگسار از پیش نویس تازه قانون مجازات حذف شود. این موضوع هنوز در مجلس مورد بحث است.

پیش نویسی که برای اظهار نظر تسلیم شورای نگهبان - که سازگاری قوانین را با قانون اساسی و شرع اسلام مورد بررسی قرار می دهد - شده گویا هر اشاره ای به مجازات سنگسار را حذف کرده است. به علاوه، حتی اگر این مجازات از قانون حذف شود، بر اساس مفاد قانونی که به قاضیان اختیار می دهد در صورت فقدان قانون مدون بر اساس علم خود از شرع اسلام حکم کنند، قاضیان هنوز می توانند حکم سنگسار را صادر نمایند.

رایج ترین روش اعدام در ایران دار زدن است و سالانه صدها مرد و زن به این روش اعدام می شوند. از انقلاب اسلامی سال 1357 به بعد، عفو بین الملل حداقل 77 مورد سنگسار را ثبت کرده است، اما بر این باور است که رقم واقعی ممکن است بالاتر باشد، به ویژه این که این سازمان نتوانسته ارقام مربوطه را در تمام سال های بین 1357 و 1363 ثبت کند.

محکومان معمولاً تهی دست یا از افراد حاشیه ای جامعه هستند. بیشتر کسانی که به سنگسار محکوم می شوند زن هستند به این دلیل ساده که زنان در نظام قضایی کیفری در وضع ضعیفی قرار دارند و با تبعیض گسترده قانونی، به ویژه در زمینه ازدواج و طلاق، روبرو هستند. اما بنا به اطلاع موجود در سال های اخیر مردان بیشتر از زنان سنگسار شده اند.

در سال 1381، رئیس وقت قوه قضاییه توقف سنگسار را اعلام کرد. اما قانون ایران به قاضیان اختیار تصمیم گیری گسترده ای در صدور حکم داده است و از سال 1381 تاکنون حداقل پنج مرد و یک زن به وسیله سنگسار

جعفر کیانی را در تاریخ 14 تیر ماه 1386 در استان قزوین در شمال غربی ایران تا کمر در خاک دفن و به روش سنگسار اعدام کردند. او یک دهه پیش از آن به اتهام «زنای محصنه» با مکره ابراهیمی محکوم شده بود. این زوج دو فرزند مشترک داشتند و مکره ابراهیمی نیز به اعدام به وسیله سنگسار محکوم شده بود که بعداً از مرگ رهایی یافت.

بنا به قانون مجازات ایران، سنگسار مجازات الزامی برای «زنای محصنه» هم برای زن و هم مرد است؛ زنای محصنه در اکثر کشورها جرم نیست چه برسد به این که مجازات اعدام داشته باشد.

سنگسار روش تنفر انگیز و بی رحمانه ای از اعدام است. قانون ایران مقرر می دارد که بزرگی سنگ ها باید به اندازه ای باشد که باعث جراحت و در پایان باعث مرگ شوند اما نه آن قدر بزرگ که بلافاصله باعث قتل قربانی شوند. بنابراین، این روش اعدام به عمد طوری طراحی شده که زجر قربانیان را طولانی تر کند.

«بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت يك یا دو عدد شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.»

ماده 104 قانون مجازات اسلامی

تبعیض ضد زنان

«سنگسار روشی از مجازات اعدام است که در اصل برای جرم زناى محصنه و جرم های مربوطه دیگر به کار می رود و زنان به تعداد نامتناسبی به این جرایم محکوم می شوند. این موضوع با منع تبعیض بر پایه جنسیت که در تمام عهدنامه های اصلی حقوق بشری مقرر شده ناسازگار است.»

مانفرد نوآک، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای شکنجه، و رفتارها یا مجازات های خشن، غیرانسانی یا تحقیرکننده دیگر،
25 دی 1386

مجازات اعدام به وسیله سنگسار اثر نامتناسبی بر زنان دارد. یک دلیل آن این است که در نقض آشکار ماده های 2، 3، 14 و 26 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، با زنان در قانون و دادگاه ها به صورت برابر رفتار نمی شود. در زمینه بعضی جرم ها از جمله زنا، شهادت یک مرد در دادگاه برابر شهادت زن است و شهادت یک زن به تنهایی پذیرفته نیست.

در کشوری که میزان بی سوادى زنان کمتر از مردان است، احتمال این که زنان ناعادلانه محاکمه شوند بیشتر است زیرا بیشتر محتمل است «اقرارهای» نادرستی را امضا کنند که مفهومش را درک نکرده اند. زنان به طور کلی فقیرتر از مردان هستند چون امکانات شغلی برای آنها محدودتر و به این معناست که آنها کمتر از امکان دریافت مشاوره مناسب حقوقی برخوردار هستند. احتمال این که زنان اقلیت های قومی به فارسی، یعنی زبان دادگاه ها، سخن بگویند، کمتر از مردان است، در نتیجه آنها درک نمی کنند که در فرایند قانونی یا حتی زمانی که به مرگ به وسیله سنگسار محکوم می شوند، چه اتفاقی برایشان می افتد.

تبعیض ضد زنان در دیگر جنبه های زندگی شان آنها را بیشتر در معرض محکومیت به زناى محصنه قرار می دهد. مردان مجاز به داشتن چهار زن دائمی و تعداد نامحدودی همسر موقت هستند، اما زنان تنها می توانند یک شوهر داشته باشند. همچنین حق زنان در طلاق محدود است، برخلاف مردان که آزادانه از حق طلاق برخوردارند. بسیاری از زنان امکان انتخاب شوهرشان را ندارند و بسیاری از آنها در سنین پایین ازدواج می کنند.

زنان با کنترل سخت و تبعیض آمیز بر رفتارشان روبرو هستند، مثل مقررات رسمی برای پوشاک که آنها را ملزم به داشتن حجاب می سازد و محدودیت بر رفت و آمد که دولت برقرار و/یا اعمال می کند. با وجود این کنترل ها و تا حدودی جداسازی جنسیتی، زمانی که زنان در برخورد با قانون قرار می گیرند، مردان که بعید است نسبت به جنبه های جنسیتی پرونده حساسیت داشته باشند یا ممکن است نسبت به زنان غرض داشته باشند، آنها را دستگیر، بازجویی و محاکمه می کنند.

سرانجام، حتی رویه ای که قانون برای سنگسار مشخص کرده ضد زنان تبعیض قائل می شود: مردان را تا نزدیکی کمر و زنان را تا نزدیکی سینه در گودالی دفن می کنند. این موضوع اهمیت زیادی دارد زیرا قانون مقرر ساخته که در صورت فرار شخص محکوم از گودال، اگر محکومیت او بر پایه اقرار خودش باشد، نمی توان او را دوباره سنگسار کرد.

عفو بین الملل در تمام موارد با مجازات اعدام به عنوان ناقض حق زندگی و مجازات به نهایت بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرکننده مخالف است. یکی از اساس مبارزه عفو بین الملل این است که قوانین و فرایندهای قضایی باید با موازین شناخته شده بین المللی حقوق بشر سازگار باشند و دولت ها به تعهدات حقوق بشری بین المللی شان پایبند باشند.

ایران عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. بنابراین، دولت ایران قانونا ملزم به رعایت مفاد این عهدنامه است و باید بازتاب کامل مفاد آن را در قوانین و عملکردهای کشور تضمین نماید. اعدام به وسیله سنگسار ناقض ماده 6 (حق زندگی) و ماده 7 (منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده) میثاق است.

گزارشگر ویژه شکنجه، کمیته حقوق بشر، کمیته ضد شکنجه و کمیسیون حقوق بشر همگی گفته اند که سنگسار - یعنی شکلی از مجازات بدنی - با منع شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده مغایر است و نباید به عنوان روش اعدام به کار گرفته شود.

به علاوه، موازین بین المللی حقوق بشر الزام می کنند که حکم اعدام تنها پس از محاکمه ای کاملا منطبق با موازین بین المللی محاکمه عادلانه صادر شود. این موازین شامل حق معاضدت قضایی در تمام مراحل قانونی، حق

ممانعت از دسترسی به وکیل در مرحله بازجویی پیش از محاکمه و نیز مفاد قانونی که در بعضی موارد به قاضی اجازه استفاده از «علم» ذهنی خود در باره موضوع به عنوان تنها اساس محکومیت می دهد.

عدم اجبار به شهادت علیه خود یا اقرار به جرم، و حق تجدیدنظر خواهی نزد مرجع بالاتر قضایی است که در مواد (2) 6 و 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی طرح شده است. عفو بین الملل مدت هاست که در باره منصفانه بودن محاکمه ها در ایران ابراز نگرانی کرده است، از جمله در باره استفاده رایج از شکنجه و رفتارهای بد دیگر برای کسب «اقرار»،

محکومان به سنگسار

گمان می رود حداقل 10 زن و چهار مرد در خطر اعدام به وسیله سنگسار باشند، گرچه چندین مورد هنوز در دست بررسی است و ممکن است حکم های دیگری صادر شود. حداقل یک زن به نام **مریم قربانزاده**، که ابتدا به سنگسار محکوم شده بود (نگاه کنید به عکس در پایین)، به خاطر «زنای محصنه» در معرض اعدام به وسیله دار است.

پرونده **سکینه محمدی آشتیانی** توجه زیادی در سطح بین المللی جلب کرده است. او در سال 1385 پس از محاکمه ای ناعادلانه به اتهام «زنای محصنه» محکوم شد. او جداگانه به اتهام قتل نیز محکوم شده بود که بعداً به شراکت در قتل کاهش یافت و به خاطر آن او به پنج سال زندان محکوم شد.

او از اقلیت آذربایجانی و مادر دو فرزند است و 43 سال دارد، به ترکی آذربایجانی سخن می گوید و اطلاعاتش از فارسی، زبان مورد استفاده در دادگاه ها، محدود است. زمانی که او محکوم شد نمی دانست واژه عربی رجم به معنای سنگسار است و وقتی هم سولولی های او برایش توضیح دادند از شوک از هوش رفت.

سه نفر از پنج قاضی دادگاهی که او را محاکمه کرد، او را مجرم تشخیص دادند. با وجود این که او در دادگاه گفت که «اقرار» را به زور از او گرفته اند و عاری از حقیقت است، سه قاضی او را بر مبنای «علم قاضی» محکوم کردند. این مفاد از قانون ایران به قضات اختیار می دهد بر اساس ذهنی و حتا در صورت نبود مدارک روشن و قطعی در باره مقصر بودن متهم به تصمیم گیری بپردازند. در ماه اردیبهشت 1386، دیوان عالی کشور حکم سنگسار را تایید کرد. بعد از آن، کمیسیون عفو و بخشودگی دو بار درخواست عفو



سکینه محمدی آشتیانی که بیش از چهار سال است که در ترس از سنگسار شدن به سر می برد.

عفو بین الملل با جرم بودن رابطه جنسی توافقی بین بزرگسالان مخالف است و کسانی را که به خاطر چنین رابطه ای زندانی می شوند زندانی وجدانی می داند که باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند. بر اساس حقوق بشر بین المللی، اعمال غیرخوشنوت آمیز مثل رابطه جنسی توافقی بین بزرگسالان نباید باعث مجازات اعدام شود.

او را رد کرده است.

از زمانی که پرونده او موضوع مبارزه گسترده بین المللی شده است، مقامات ایرانی چندین بار به صورت ناروشن و گاهی متناقض در باره وضع قانونی و سرنوشت احتمالی او اظهار نظر کرده اند. این مقامات ظاهراً می کوشند با تصویر کردن او به عنوان یک جانی خطرناک و مستحق اعدام انتقاد را از خود دفع کنند. او در زندان مرکزی

تبریز در زیر حکم اعدام مانده است و از مرداد 1389 به بعد از دیدار با فرزندان و وکیلش محروم بوده است.

یک زن دیگر از اقلیت آذربایجانی، **آثر باقری**، 19 ساله، نیز به سنگسار محکوم شده است. او که در سن 14 سالگی ازدواج کرده، تازه 15 ساله شده بود که دستگیر شد. دادگاه تجدید نظر حکم او را به شلاق تبدیل کرد، اما وکیل او هنوز از این نگران است که دیوان عالی کشور که در حال بررسی پرونده است دوباره حکم سنگسار را برقرار کند.

ایران اسکندری، زنی از ایل بختیاری در استان خوزستان در جنوب غربی است که به خاطر زنای محصنه به سنگسار و به خاطر مشارکت در قتل شوهرش به پنج سال زندان محکوم شد و دیوان عالی کشور این احکام را در فروردین 1385 تایید کرد. بنا به گزارش ها، زمانی که او با پسر همسایه در حیاط صحبت می کرد، شوهرش با چاقو به او حمله ور شد. او بی هوش و در حال خونریزی به زمین افتاد. زمانی که او بی هوش بود، گویا آن مرد جوان شوهر وی را به قتل رساند. بنا به گزارش ها زمانی که پلیس از او بازجویی کرد، او به زنا با پسر همسایه اذعان نمود، اما این «اقرار» را بعداً پس گرفت. در خرداد 1386، شعبه تشخیص دیوان عالی کشور حکم سنگسار را لغو و پرونده او را برای محاکمه دوباره به یک دادگاه کیفری در خوزستان ارجاع کرد. این دادگاه دوباره حکم سنگسار صادر کرد. پرونده ایران اسکندری از بهمن 1387 در کمیسیون عفو و بخشودگی است و خود او هنوز در زندان سپیدار در شهر اهواز به سر می برد.

خیریه والایا، نیز در خوزستان به خاطر مشارکت در قتل به اعدام و به اتهام زنای محصنه به سنگسار محکوم شده است. بنا به گزارش ها، شوهر او نسبت به او خشونت به کار می برد و یکی از خویشان شوهرش که با او رابطه داشت

دادگاهی در استان آذربایجان شرقی به خاطر «زنای محصنه» به سنگسار محکوم شدند. به علاوه، دادگاه رحیم محمدی را به خاطر «لواط» که مجازات آن اعدام است و «روش آن را قاضی تعیین می کند» مجرم شناخت. در فروردین 1388، دیوان عالی کشور تمام حکم ها را ابرام کرد. به گفته وکیل آنها، این زوج پس از بیکاری به مدتی طولانی به فحشا روی آورده بود. در تیر 1388، سخنگوی قوه قضاییه نهایی شدن حکم های این زوج را تکذیب کرد، با وجود این رحیم محمدی در 13 مهر 1388 اعدام شد. وکیل او که برخلاف الزام قانون از اعدام مطلع نشده بود، بعداً گفت که هیچ مدرکی دال بر «لواط» وجود نداشته و به باور او این اتهام برای این مطرح شد که مقامات بتوانند به جای اعدام او به وسیله سنگسار او را دار بزنند.



«از آنجا که زنی روستایی و بی سواد بودم، نفهمیدم در دادگاه چه گفتم. فکر کردم اگر به ارتباطم با مقتول اعتراف کنم، شوهرم و برادرم از اتهام قتل عمد تبرئه می شوند.»

شمامه (ملک) قربانی، محکوم به اعدام با سنگسار به اتهام زنی محصنه، در نامه ای به دادگاه

شوهرش را به قتل رساند. خیریه و الانیا به زنی محصنه اقرار کرده اما هرگونه شرکت در قتل را تکذیب نموده است. بر اساس گزارش ها حکم تأیید شده و پرونده برای استیذان جهت اجرای اعدام برای رئیس قوه قضاییه ارسال شده است.

زنان دیگری که در مشهد به سنگسار محکوم شده اند و اطلاع کمی در باره شان در دست است عبارتند از «م.خ» (که در 1387 محکوم شده و گویا پرونده اش به هوشنگ خداداده مربوط است که در آذر 1387 در مشهد به وسیله سنگسار اعدام شد) و زن دیگری که تنها نام خانوادگی اش «هاشمی نسب» در دست است. سرنوشت این دو ناروشن است.



اشرف کلهری (کلهر)، در حدود 40 ساله و مادر چهار فرزند، در فروردین 1381 به اتهام زنی محصنه به سنگسار و به اتهام شرکت در قتل شوهرش به 15 سال زندان محکوم شد. پیش از آن یک قاضی درخواست طلاق او را رد کرده بود. او می گوید قتل اتفاقی رخ داده است، اما پلیس او را به داشتن رابطه با یکی از همسایه ها و تحریک او به حمله متهم کرده است. بنا به گزارش او در زیر بازجویی به زنی محصنه «اقرار» کرده، اما بعداً اظهارات خود را پس گرفته است. بنا بود او پیش از پایان تیر 1385 سنگسار شود، اما اعدام او موقتاً متوقف شد. در تاریخ 4 اسفند 1387 گزارش شد که کمیسیون عفو و بخشودگی درخواست او را رد کرده و حکم او ممکن است هر آن اجرا شود، اما در تاریخ 12 خرداد 1388 سخنگوی قوه قضاییه گفت که کمیسیون عفو و بخشودگی هنوز در باره پرونده او تصمیم گیری نکرده است.

کبری بابایی و شوهرش رحیم محمدی، که دختری 12 ساله دارند، در فروردین 1387 در

یک زن 21 ساله و مردی به نام عباس حسنی، 34 ساله و پدر دو فرزند، در اواخر 2009 [پاییز 1388] در شعبه 5 دادگاه عمومی خراسان رضوی در مشهد به سنگسار محکوم شدند. حکم های آنها در تجدید نظر تأیید شد و دیوان عالی کشور حکم های آنها را در تاریخ 24 خرداد 1389 ابرام کرد. شوهر این زن پس از این که عکس هایی را که با تلفن همراه گرفته شده بود نزد همسرش پیدا کرد شکایت کرد و در پی آن این دو به «زنای محصنه» متهم شدند. بنا به گزارش ها، عباس حسنی در خطر اعدام حتمی به سر می برد زیرا حکم او به اجرای احکام ارجاع شده است.

سجاد قادرزاده (بالا)، پسر سکینه محمدی آشتیانی، و (پایین) هوتن جاوید کیان، وکیل چندین پرونده اعدام به وسیله سنگسار، هر دو مورد اذیت و آزار مقامات قرار گرفته اند.



© سیموس



© سیموس

بالا: مریم قربانزاده، 25 ساله، در شهر یور
1388 در استان آذربایجان شرقی به اتهام «زنای
محصنه» مورد محاکمه قرار گرفت. در مرداد
1389، در اوج اعتراض های بین المللی به حکم
سنگسار سکینه محمدی آشتیانی، شعبه 12 دادگاه
عمومی استان او را به سنگسار محکوم کرد، اما با
استناد به «سیاست های کلی قوه قضاییه و بخشنامه
های صادره ... به تبدیل احکام [سنگسار] به اعدام
به نحو دیگر» در همان حکم آن را به اعدام با دار
تغییر داد. وکیل او جاوید هوتن کیان درخواست
بازبینی قضایی کرده است، اما در این میان بیم آن
می رود که مریم قربانزاده هر آن اعدام شود.

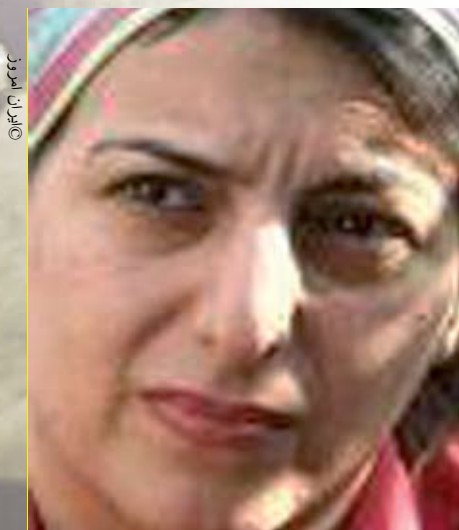
راست: حرکت اعتراضی عفو بین الملل در
بروکسل، بلژیک، سپتامبر 2010، در دفاع از
سکینه محمدی آشتیانی که در ایران در خطر
اعدام به وسیله سنگسار به سر می برد.



© Jorn van Eck / Amnesty International



© www.kosoof.com



© ایران امروز

مبارزه ضد سنگسار

فعالان بسیار شجاعی پیشتاز مبارزه ضد سنگسار در داخل ایران بوده اند. این مبارزه در 9 مهر 1385 شروع شد؛ گروهی از مدافعان حقوق بشر، وکلا و روزنامه نگاران ایرانی با پیشگامی شادی صدر، وکیل، و روزنامه نگاران محبوبه عباسقلی زاده و آسیه امینی، به همراه فعالان دیگر در خارج از ایران، مثل سهیلا وحدتی، که همگی از شروع دوباره سنگسار در اردیبهشت همان سال به وحشت افتاده بودند، کمپین قانون بدون سنگسار را با هدف پایان دادن به سنگسار در قانون و عمل به راه انداختند. کوشش های شجاعانه آنها از حمایت سازمان های حقوق بشر بین المللی مثل عفو بین الملل و افراد پرشماری در سراسر جهان برخوردار شده است.

از آن پس، حداقل 13 زن و دو مرد از سنگسار نجات یافته اند. این عده عبارت هستند از: حاجیه اسماعیلوند، صغری مولایی، فاطمه الف، شمامه (ملک) قربانی، مکرمه ابراهیمی، دو خواهر به نام های زهره و آذر کبیری نیت، زنی با نام «هاجر»، کبری نجار، لیلا قمی، زهرار رضایی، گیلان محمدی و غلامعلی اسکندری که در یک پرونده محکوم شده بودند، زوجی به نام های پریسا الف و شوهرش نجف. اعدام بعضی دیگر متوقف شده و پرونده بعضی دیگر مورد بازنگری است یا برای دادرسی دوباره اعاده شده است.

از بالا به پایین: شادی صدر، وکیل و روزنامه نگار؛ محبوبه عباسقلی زاده، فیلمساز؛ و آسیه امینی، روزنامه نگار. هر سه نقش برجسته ای در کمپین قانون بدون سنگسار ایفا کرده و در نتیجه فعالیت های حقوق بشر خود به خاطر تهدیدها یا آزارها ناگزیر از فرار از ایران شده اند و اینک در تبعید زندگی می کنند.

بنا به گزارش ها، حکم سنگسار زن و مرد دیگری - به نام های **سریه عبادی** و **ولی یا بوعلی جاتفشانی** - در مرداد 1389 تایید شده است. گویا به آنها در هیچ مرحله از فرایند قانونی اجازه داده نشده وکلای انتخابی خود را داشته باشند. گفته می شود این دو از سال 1387 در زندان مرکزی ارومیه، در استان آذربایجان غربی، در بازداشت به سر می برند.

محمد علی نوید خمایی از جمله مردان محکوم به سنگسار است. به گزارش روزنامه ایرانی هم میهن در 18 فروردین 1388، او در شهر رشت، استان گیلان در شمال ایران، به اتهام «زنانی محصنه» مجرم شناخته شد. جزئیات بیشتری از پرونده او در دست نیست. نگرانی در باره او زمانی افزایش یافت که سخنگوی قوه قضاییه در تاریخ 15 اردیبهشت 1388 تایید کرد که مرد دیگری به تازگی در رشت به وسیله سنگسار اعدام شده است. گمان می رود این شخص ولی آزاد 30 ساله از اهالی پارس آباد باشد که در 14 اسفند 1387 مخفیانه در زندان لاکان اعدام شد.

بنا به گزارشی در روزنامه سرمایه در مرداد 1388، **نقی احمدی** در خرداد 1387 در ساری، مازندران در شمال ایران، به سنگسار محکوم شده است. وکیل او گفت که نقی احمدی و یک زن پس از آن که او شبی در غیاب شوهر آن زن به خانه او رفته بود، به «زنانی محصنه» اقرار کردند. ظاهراً آن زن به سنگسار محکوم نشده است. ممکن است دلیل این عدم محکومیت به ماده 86 قانون مجازات مربوط باشد که می گوید اگر «زنانی» زمانی رخ دهد که همسر به علت «مسافرت یا حبس و مانند آنها» در دسترس نباشد، شخص مربوطه سنگسار نخواهد شد.

درخواست های عفو بین الملل از مقامات ایران برای دریافت جزئیات بیشتر در باره این پرونده ها و موارد دیگر بی پاسخ مانده است.

«اکثریت عظیم مردم ایران به شدت با سنگسار مخالفند. پیش از انقلاب اسلامی 1357 هیچ سابقه ای از اجرای سنگسار وجود ندارد و بیشتر ایرانیان این کار را تنفربرانگیز می دانند... ایرانیان در عین حال که زنانی محصنه را اخلاقاً نادرست می دانند... بر این باور نیستند که این کار باید «جرمی علیه کشور» تلقی شود... در ایران، مجازات زنان محصنه شدیدتر از مجازات قتل است و این مساله توهینی به حساسیت های [بسیاری از] ایرانیان است.»

کمپین جهانی برای پایان دادن به قتل و سنگسار زنان، تیر 1389

قادرزاده، پسر سکینه محمدی آشتیانی، در حال مصاحبه با دو روزنامه نگار آلمانی دستگیر شد. این روزنامه نگاران که بدون ویزای روزنامه نگاری وارد ایران شده بودند نیز دستگیر شدند. عفو بین الملل از این نگران است که این دستگیری ها به قصد محدود کردن جریان اطلاعات در باره پرونده سکینه محمدی آشتیانی به خارج از ایران باشد. به ویژه دستگیری وکیل سکینه، او را بی دفاع و در انتظار ترحم از یک نظام قضایی بی قاعده باقی می گذارد.

خاطر امنیت خود در تیر 1389 ناگزیر از فرار از ایران شد. ماموران امنیتی وکیل دیگر این پرونده، جاوید هوتن کیان، را در اوایل شهریور در فرودگاه تبریز متوقف کردند و به زور به دفترش بردند و در آنجا پرونده هایی را ضبط کردند. ده روز پیش از آن، نیروهای امنیتی به خانه او در تبریز حمله کرده و اموال و پرونده ها و نیز کامپیوتر همراه او حاوی اطلاعات مربوط به چندین پرونده سنگسار را با خود برده بودند. در مهر 1389، او به همراه سجاد

حکم شمامه (ملک) قربانی، یک زن کرد ایرانی که در خرداد 1385 به سنگسار محکوم شده بود، پس از محاکمه دوباره لغو و او به 100 ضربه شلاق محکوم شد. ظاهراً برادران و شوهر او مردی را که در خانه او یافته بودند به قتل رساندند و در اثر ضربات چاقوی آنها چیزی نمانده بود خود وی نیز به قتل برسد. دیوان عالی کشور در آبان 1385 با استناد به نقص تحقیقات حکم سنگسار را رد کرد و دستور دادرسی مجدد داد. شمامه قربانی گویا به زنان محصنه اقرار کرده بود با این تصور که با این کار از برادران و شوهرش از پیگرد به خاطر قتل حمایت می کند.

موفقیت در جلوگیری از انجام بعضی موارد سنگسار به دلایل مختلف، از جمله مبارزه محلی و بین المللی و فعالیت وکلا، به دست آمده است. برای مثال، بعضی وکلا به عفو بین الملل گفته اند که استفاده از استدلال های اسلامی برای به چالش کشیدن محکومیت بر پایه «علم قاضی» یا دریافت فتوا از روحانیون ارشد مسلمان در نفی صدور حکم سنگسار در برخی پرونده ها موثر بوده است.

اما، مبارزه در ایران با سرکوب روبرو شده و حامیان آن مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند. بعضی از آنها، از جمله آسیه امینی، محبوبه عباسقلی زاده و شادی صدر، به خاطر امنیت خودشان ناگزیر از ترک ایران شده اند و اکنون در تبعید زندگی می کنند.

بسیاری از وکلا که در پرونده های سنگسار وکالت متهمان را به عهده داشته اند گزارش داده اند که با تهدید و آزار روبرو بوده اند تا از علنی کردن پرونده ها منصرف شوند. محمد مصطفایی، یکی از وکلای مرتبط با پرونده سکینه محمدی آشتیانی، پس از این که همسر و برادر همسرش بازداشت شدند تا او زیر فشار خود را برای بازجویی تسلیم مقامات کند، به

عفو بین الملل از مقامات دولتی ایران می خواهد:

■ از رابطه جنسی توافقی بین بزرگسالان جرم زدایی کنند.

■ به وکلای مدافع در پرونده های سنگسار اجازه دهند

بدون ترس از آزار و اذیت کارشان را انجام دهند.

■ تمامی قوانین ایران را که قتل اشخاص را به دست دولت

ممکن می سازند، با هدف بلافاصله محدود کردن تدریجی

گستره مجازات اعدام و با نظر الغای کامل مجازات اعدام در

آینده، مورد بازنگری قرار دهند.

■ توقف اعدام به وسیله سنگسار را دوباره تأیید و آن را

کاملاً رعایت کنند، از جمله با تضمین این که افراد محکوم

به سنگسار به اتهام «زنانی محصنه» به روش دیگری اعدام

نشوند.

■ قوانینی را برای منع سنگسار به عنوان مجازات قانونی

تصویب و نیز تضمین کنند که پیش نویس قانون مجازات

استفاده از هیچ شکلی از مجازات اعدام یا شلاق را برای

اشخاص محکوم به «زنان» یا جرم های دیگر مقرر ننماید.

■ تمامی اشخاصی را که به علت رابطه جنسی توافقی در

بازداشت هستند آزاد نمایند؛ عفو بین الملل این گونه اشخاص

را زندانی وجدانی [عقبتی] می داند.

شماره نمایی:

MDE 13/095/2010

Farsi

November 2010

Amnesty International

International Secretariat

Peter Benenson House

Easton Street 1

London WC1X 0DW

United Kingdom

www.amnesty.org

عفو بین الملل جنبشی جهانی است و در بیش از 150 کشور و سرزمین جهان 2/8 میلیون حامی، عضو و فعال دارد که برای پایان دادن به نقض فاحش حقوق بشر پیکار می کنند. چشم انداز ما این است که هر انسانی از حقوق محفوظ در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر موازین بین المللی حقوق بشر برخوردار شود. ما به تحقیق، مبارزه، تبلیغ و بسیج برای پایان بخشیدن به نقض حقوق بشر می پردازیم. عفو بین الملل از هر حکومت، اینلوژی سیاسی، مذهب یا منافع اقتصادی مستقل است و عمدتاً از طریق هدایای اعضا و هدایای عمومی تأمین مالی می شود.

AMNESTY
INTERNATIONAL

